



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از سوالاتی که مکتوب فرمودند این است که در قرآن کریم گفته شده: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا<sup>۱</sup>، بحث سابق ما این بود که اولاد هم شامل فرزندان بنین و هم شامل فرزندان بنات می شود و به همین مناسبت ما اهل بیت علیهم السلام را اولاد پیغمبر صلوات الله علیه و آله می دانیم اما در این آیه گفته شده پیغمبر اسلام پدر هیچ یک از مردان شما نیست و معلوم است که ابوت و بنوت با هم نسبت تضایف دارند لذا وقتی محمد صلوات الله علیه و آله آب نیست خب آنها نیز این نیستند.

شان نزول آیه: زید بن حارثه از اصحاب بوده و با پیغمبر اسلام خیلی مربوط بوده، قبلاً جنگهایی بین عربها واقع می شد در یکی از این جنگها زید بن حارثه اسیر شد و او را به مدینه آوردند، اسیرها را می فروختند زید بن حارثه نزد پیغمبر آمد و گفت من مسلمان هستم ولی فعلاً فروخته شده ام و فلان مقدار از من پول می خواهند، حضرت رفتند و پول را دادند تا اینکه از زید صرف نظر کردند و زید نزد پیغمبر ماند و از نظر فرهنگ و اعتقاد در سطح بسیار بالائی قرار گرفت و از کسانی شد که بالاخره در جنگ موته شهید شد، پدر و مادر زید اطلاع پیدا کردند فرزندشان در مدینه خدمت پیغمبر اسلام می باشد لذا آمدند تا فرزندشان را ببرند و حضرت فرمودند من زید را مخیر می کنم بین اینکه پیش من بماند یا اینکه با شما بیاید، زید بس که از حضرت کرم و مروت و خوبی دیده بود گفت من خدمت پیغمبر خدا می مانم و با پدر و مادرش نرفت و حضرت نیز وقتی این فداکاری و نیت و فرهنگ و اعتقاد زید را دید گفت این پسر من است و کم کم مردم او را پسر پیغمبر خواندند و در آن زمان نیز پسر خوانده شدن مرسوم بود اما در قرآن گفته شده بود که پسر خوانده پسر نیست، قریش گفتند پیغمبر خودش می گوید پسر خوانده پسر نیست ولی از طرفی

می گوید زید بن حارثه پسر من است، الان نیز وهابیت به همین آیه برای اثبات اینکه حسنین علیهما السلام فرزند پیغمبر نیستند استدلال می کنند اما در جواب عرض می کنیم که این آیه در جواب اعتراض قریش نازل شد زیرا گفته شده "رجالکم" در حالی که در آن زمان حسنین علیهما السلام بچه بوده اند و جزء رجال محسوب نمی شدند، طیب و طاهر و قاسم و ابراهیم همگی جزء فرزندان پیغمبر هستند اما اینها نیز در آن موقع بچه بوده اند و حتی به حد بلوغ نیز نرسیده بودند و خطاب آیه نیز به قریش می باشد بنابراین آیه مربوط به یک موضوع خاصی است و به بحث ما مرتبط نیست.

جریان زید و زینب: زینب یکی از دختر عمه های پیغمبر صلوات الله علیه و آله می باشد، زید بن حارثه از سیاه چهرگان بود اما زینب از بنی هاشم و بسیار با شرافت بود، زید به خواستگاری زینب رفت ولی زینب قبول نکرد منتهی پیغمبر صلوات الله علیه و آله به زینب امر فرمودند که با زید ازدواج کند و زینب نیز پذیرفت، جبرئیل امین لیستی از آسمان برای پیغمبر صلوات الله علیه و آله آورد که در آن اسم زنان حضرت نوشته شده بود و در بین آنها نام زینب نیز بود، حضرت نام زینب را در آن لیست دید ولی به کسی چیزی نگفت و پنهان کرد، مدتی گذشت و بین زید و زینب مشاجرات زیادی واقع شد و بالاخره زید زینب را طلاق داد و در آیه شریفه اینطور آمده که بعد از طلاق خداوند همین زینب را به ازدواج پیغمبر در آورد: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا<sup>۲</sup> وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا<sup>۳</sup>، مردم از اینکه زن پسر خوانده خود را بگیرند احتراز می کردند خداوند این کار را کرد که دیگر حرجی بر مردم نباشد، جالب است زینب خیلی بر زن های دیگر تفاخر می کرد و می گفت من مزینتایی دارم که شما ندارید؛ اولاً "زوجناکها" خداوند من را تزویج کرده و هیچکدام از زنهای پیغمبر را خدا تزویج نکرده، ثانیاً جبرئیل از

<sup>۱</sup> سوره احزاب، آیه ۴۰.

<sup>۲</sup> سوره احزاب، آیه ۳۷.

بیرون راندن شما همدیگر را یاری داده اند، و هر کس با آنها دوستی کند چنین کسانی که ستمکارند. بنابراین اصل وقف برای کفار دسته اول در آن جهتی که اگر مسلمان وقف می کرد پذیرفته می شد اشکالی ندارد چون معتبر نیست که واقف مسلمان باشد.

بحث دیگر این است که آیا وقف از عبادات است یا نه؟ اگر از عبادات باشد عبادات کافر صحیح نیست زیرا قصد قربت ندارد، قبلاً عرض کردیم که امام رضوان الله علیه فرمودند در وقف قصد قربت معتبر نیست و ما نیز همین را پذیرفتیم، حالا این بحث نیز به همان بحث قصد قربت بر می گردد.

محقق در شرایط وقف را جزء عبادات نشمرده بلکه وقوف و صدقات را جزء عقود و معاملات شمرده و حساب کرده و چون جزء معاملات دانسته قصد قربت را در آن معتبر ندانسته، البته خود وقف یک کار قربی و ارزشی است ولی قصد قربت نیاز ندارد و از عبادات نیست تا اینکه از کافر صحیح نباشد.

علامه در تذکره فرموده چقدر خوب است که مسلمانان برای کفار چیزی وقف کنند زیرا باعث می شود که آنها به اسلام توجه کنند و به مسلمانان تمایل پیدا کنند.

امام رضوان الله علیه در آخر کلامشان فرمودند: "و فیما یصح منه علی مذهبہ إقراراً له علی مذهبہ" ما یک قاعده ای در فقه درباره دیگر مذاهب و ادیان داریم بنام "الزموهم بما الزموا به انفسهم" یعنی آنچه که آنها بین خودشان قبول دارند و ملزم به آن هستند شما بپذیرید و قبول کنید لذا امام رضوان الله علیه می فرماید اگر در مذهب آنها چیزی باشد که مشمول این قاعده الزام شود ما قبول می کنیم.

بحث بعدی این است که اگر کسی مالش را برای فقراء وقف کرد آیا فقط فقراء بلاد خودش مراد است یا مطلق فقیر ولو از بلاد دیگر؟ که بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

آسمان نام من را آورد خلاصه زینب یک شرافت خاصی پیدا کرد، بنابراین آیه مذکور مرتبط به بحث ما نمی باشد.

ما قبلاً گفتیم که طبق روایاتمان پسری که به ده سالگی برسد وصیتش صحیح است ولی وقفش صحیح نیست، حالا ایشان نوشته اند در قران کریم هست که: ﴿فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ﴾<sup>۳</sup> لذا اگر پسر ده ساله نیز رشد داشته باشد می تواند تصرف مالی کند و اموال خودش را وقف کند، در جواب عرض می کنیم که این آیه مربوط به یتامی می باشد و در آن گفته شده یتامی را امتحان کنید به حد بلوغ و رشد که رسیدند اموالشان را به آنها بدهید: ﴿وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ﴾<sup>۴</sup> در حالی که ما از پسر ده ساله که غیر بالغ بحث می کردیم.

بچثمان در شروط واقف بود، امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيلة به عنوان آخرین شرط واقف فرمودند: «مسألة ۳۰ - لا يعتبر في الواقف أن يكون مسلماً، فيصح وقف الكافر فيما يصح من المسلم على الأقوى، وفيما يصح منه على مذهبه إقراراً له على مذهبه»<sup>۵</sup>.

ما در قران دو جور تعبیر درباره کفار داریم، در سوره ممتحنه اول اینطور ذکر شده: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۶</sup>، خدا شما را از کسانی (از کفار) که شما درباره دین نجنگیده و شما را از خانه هایتان بیرون نکرده اند منع نمی کند که به آنها نیکی کنید و با قسط و عدل رفتار نمایید، زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد. سپس در آیه بعدی اینطور ذکر شده: ﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾<sup>۷</sup>، جز این نیست که خداوند شما را از دوستی کسانی منع می کند که با شما درباره دین جنگیده اند و شما را از خانه هایتان بیرون رانده اند و بر

<sup>۳</sup> سوره نساء، آیه ۶.

<sup>۴</sup> سوره نساء، آیه ۶.

<sup>۵</sup> تحریر الوسيلة، الامام الخميني، ج ۲، ص ۶۹.

<sup>۶</sup> سوره ممتحنه، آیه ۸.

<sup>۷</sup> سوره ممتحنه، آیه ۹.

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين